

صاحب نظری که صاحب دل بود

(تبیین اندیشه علمی و عملی امام خمینی «ره»)

پیامبران الهی که برای هدایت خلق از سوی خدای سبحان مبعوث شده‌اند. انسان‌ها را به عبادت خدا و اطاعت او فراخوانده و از پیروی طاغوت باز می‌دارند، و از طریق عبادت خدا و اجتناب از طاغوت آنها را از درون نورانی کرده و با نورانی شدن آنها، هم خود به لقاء الهی بازمی‌یابند و هم دیگران را به آن بارگاه هدایت می‌کنند، و در عین حال که به نورانیت درون انسان‌ها عنایت دارند به نورانی کردن جامعه نیز از راه قیام به قسط و عدالت اجتماعی، می‌پردازند.

راه انبیاء توسط جانشینان خاص آنها، یعنی امامان، و عام آنان یعنی علمای راستین دین تداوم پیدا می‌کند، آنها نیز مردم را به توحید و عبادات خدا و اجتناب از طاغوت فرا می‌خوانند.

همان‌طور که انبیاء الهی از راه تخلق به اخلاق الهی، با کسب علم و معرفت و قدرت و توانایی وارد عرصه زندگی اجتماعی شدند و برای تحقق اهداف فوق یعنی توحید و معرفت و اقامه قسط همت گماردند. اگر جانشینان عام و وارثان آنان نیز با همین دست مایه وارد صحنه اجتماعی شوند هم مردمان را به توحید و معرفت الهی رهنمون می‌شوند و هم با هدایت صحیح آنان جامعه را به قسط و عدل زینت می‌دهند.

از جمله عالمان دین که به پیروی از انبیاء الهی در عصر ظلمت ظهور کرده و با هدایت جامعه، هم آنها را به عرصه توحید کشانده و هم با طاغوت مبارزه کرده و هم زمینه اقامه قسط و عدالت اجتماعی را فراهم نموده است، حضرت امام خمینی (ره) است که با قیام شجاعانه خود در پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ در مسیر نهضت الهی قدم گذاشت و پس از ۱۵ سال مبارزه، در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ طاغوت را سرنگون و زمینه را برای حکومت اسلامی فراهم کرد. در ۱۲ فروردین سال ۵۸، با برگزاری یک همه پرسی، آن حکومت را با نام جمهوری اسلامی تثبیت کردند که در آن قوانین اسلامی بر اساس خواست مردم اجرا می‌شود.

در این نوشتار شخصیت همه جانبه امام از دیدگاه حکیم متأله و مفسر قرآن کریم و فقیه اهل بیت عصمت

حضرت آیه الله جوادی آملی دامت برکاته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

امام (ره) و عناصر چهارگانه انقلاب

هر نهضت و انقلابی برای تحقق خود به ارکان و عناصری متوقف است که در صورت تحقق آنها این نهضت و انقلاب به نتیجه می‌رسد. امام خمینی نیز در نهضت و انقلاب خود از عناصری بهره‌مند بودند که طبق بیان حضرت آیه الله جوادی آملی به این شرح است: «امام برای هدم جاهلیت طاغوت و کشف نقاب از چهره ملکوتی اسلام نام محمدی، چهار عنصر اساسی را که به مثابه ارکان چهارگانه بنیان مرصوص اسلامی است به خوبی شناخته و به آنها ایمان آورده و شرایط تحقق آنها را تحصیلی دانسته و نه حصولی. یعنی بر این باور بوده که باید شرایط تحقق جامعه اسلامی و توحیدی را فراهم کرد نه آن که در صورت فراهم شدن و شرائط، آن را محقق سازند. از طرفی وجوب نهضت را درباره آنها مطلق دانسته و نه مشروط، از این رو در تحصیل آنها از هیچ اینثاری دریغ نکرده و از هیچ نثاری مضایقه ننموده است.»

عناصر چهارگانه انقلاب

عناصر چهارگانه انقلاب عبارتند از؛ هدف الهی و اهتمام به امور مسلمین و اهتمام به امور جامعه انسانی اعم از مسلمان و غیر مسلمان و حفظ استقلال و عزت در برابر حاکمان طغیان‌گر و جبار. توضیح این عناصر به شرح زیر است؛

الف) هدف رضای خدا و احیای کلمه علیای الهی: هدف امام (ره) در این انقلاب جز رضای خدا و احیاء کلمه علیای الهی نبود. زیرا رسول اکرم(ص) فرمود: «من اصبح من امتی و همّه غیر الله فلیس من الله»؛ هر فردی از امت

اسلامی اگر همت روزانه و اهتمام هر بامدادش غیر خدا باشد، از خدا بیگانه است و چنین شخصی الهی نیست و برای خدا کار نمی کند و در نتیجه حشر او نیز به انگیزه موهوم غیر الهی است.

ب) اهتمام به امور مسلمین: مهمترین مشغله فکری امام (ره) اهتمام به امور مسلمانان اعم از ساکنان ایران و غیر ایران بوده است. زیرا پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»^۱؛ هر کسی برای حل دشواری‌های جامعه اسلامی همت نورزد از قلمرو مسلمانان خارج بوده و اسلام او کامل نیست.

ج) اهتمام به امور جامعه انسانی: توجه به امور جامعه انسانی اعم از مسلمان و غیر مسلمان برای امام جاذبه فراوانی داشت. زیرا پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم»^۲؛ هر کس ندای مظلومیت فردی را بشنود (خواه آن استغاثه کننده مسلمان باشد یا نه) که از جامعه اسلامی کمک طلب می کند و جواب مثبت و سودمند ندهد از حوزه اسلام کامل بیرون است.

د) حفظ استقلال و عزت امت اسلامی: از ویژگی‌های امام خمینی (ره) حفظ استقلال و عزت در برابر دولت طغیان‌گر و حاکم جبار - خواه داخلی و خواه خارجی - بوده است. زیرا پیامبر اسلام (ص) فرمود: «من أقر بالذل طائعا فلیس منّا أهل البیت»^۳ هر کس در برابر ظالم اظهار مذلت کند و با طوع و رغبت در برابر ستم تسلیم گردد، از خاندان عصمت و طهارت بیگانه است، زیرا آن بزرگان مثل اعلای عزت خواهی و ستم ستیزی‌اند.

ناگفته نماند؛ آنچه که در میان این عناصر چهارگانه اساس و پایه است اهتمام برای خدا و جلب رضای اوست که در سایه آن عناصر سه گانه دیگر تأمین خواهد شد. زیرا محور اصلی نظام تکوین و نظام تشریح و تعلیم و تربیت و جهاد و اجتهاد و اصلاح دیگران، اعتقاد به توحید خداوند است و منشأ همه چیز خداست و همه کارها نیز باید برای او و جهت رضای او باشد.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴

۳. تحف العقول، ص ۵۸

امام و تحوّل جامعه

انبیاء الهی به طور عام و پیامبر اسلام(ص) به طور خاص برای متحول ساختن جامعه، وظائف متعددی به عهده دارند و آن آگاه کردن مردم به وحی با تلاوت آن و تربیت و تزکیه نفوس آنان و تعلیم کتاب و حکمت است که در صورت انجام این وظائف سه گانه، تحول جامعه محقق می‌شود. در واقع پیامبران الهی رهبری ایجاد تحول را به عهده دارند و مردمی که تعالیم آنها را بپذیرند و به تزکیه خود پردازند در آنها تحول ایجاد خواهد شد، امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) برای ایجاد تحول در مردم از روش پیامبران از جمله پیامبر اکرم(ص) و جانشینان آن حضرت، یعنی ائمه معصومین (ع) استفاده کرده و با آگاهی بخشیدن به مردم از طریق اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها و با الهام از نهضت سیدالشهداء در آنها تحول ایجاد کرده و نهضت را به ثمر رسانده است. زیرا حضرت سیدالشهداء خون جگر خود را داد تا مردم، دانا و دارا شوند. «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله»؛ سالار شهیدان خون داد تا مردم دانا و دارا شوند؛ اولاً بدانند، و ثانیاً به آن علم عمل کنند. به دیگر سخن؛ حضرت خون جگر داد تا مردم را از جهل برهاند یعنی عالم کند و از بیراهه رفتن رهایی بخشد، یعنی عادل کند.

امام خمینی (ره) نیز در مرحله اول به مردم آگاهی داد و با راهنمایی کردن آنان توجه داد که چگونه سیره عملی خودشان را تنظیم کنند تا بدینوسیله نهضت و انقلاب را به ثمر رسانده و تداوم آن را تضمین کنند.

امام خمینی (ره) قهرمان اسفار چهارگانه

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد آن است که امام خمینی(ره) به لحاظ پیروی از انبیاء، سفرهای چهارگانه سلوک را طی کرده است و تنها در خلوت خویش محصور نماند، بلکه در جامعه حضور پیدا کرد و آن چه را در علم و عمل یافت در جامعه به آن عینیت بخشید. به عبارت دیگر؛ امام (ره) در سلسله عارفان محقق جای داشت و در عین

حال با همه آنها فاصله داشت. عارفان در سیر به سوی خدا و تقرب به او و بریدن از خلق متوقف گشته بودند ولی امام (ره) بعد از سفر از خلق به حق، به سفر از حق به خلق پرداخت. به گفته اقبال لاهوری: «مرد باطنی (عارف) پس از آرامش و اطمینانی که در مسیر معنوی پیدا می‌کند، نمی‌خواهد به زندگی این جهانی باز گردد و در هنگامی که بنا به ضرورت باز می‌گردد، بازگشت او برای بشریت سود چندانی ندارد.^۱ ولی امام خمینی از وارثان انبیاء بوده که همچون انبیاء بازگشت‌شان جنبه خلاقیت و ثمر بخشی دارد و باز می‌گردند و در جریان زمان وارد می‌شوند تا جریان تاریخ را به دست گرفته و جهان تازه‌ای از کمال‌های مطلوب را خلق کنند. توضیح مطلب آن که در تمام مکاتب الهی برای انسان سفرهای چهارگانه‌ای وجود دارد.

اول؛ سالک از خلق به حق سفر می‌کند و حق را می‌شناسد و باور می‌کند.

دوم؛ سفر در حق به حق، که سالک در اسماء حسناى الهی و صفات حق سیر می‌کند و از این راه کمال و

جمال حق را می‌یابد.

سوم؛ سفر سالک از خدا به سوی خلق است که با این حرکت خلق را با دیده الهی می‌شناسد.

چهارم؛ سیر در خلق به حق است، که در کثرت با دید وحدت سفر می‌کند.

این سفرهای چهارگانه را بعضی با نظر و فکر طی می‌کنند و برخی با بصر و دل می‌پیمایند، صاحب نظران با فهمیدن و

با استفاده از عقل و صاحب بصران با دیدن و از طریق قلب در این مسیر قرار می‌گیرند.

ناگفته نماند صاحب بصران و صاحب دلان آن‌چه را که صاحب نظر با عقل و استدلال می‌یابد با شهود دریافت می‌کند.

امام خمینی (ره) هم صاحب نظر است و هم صاحب دل، او در صحنه صاحب نظران یک اندیشمند برجسته است و در

میدان صاحب دلان یک صاحب بصر صائب است. امام هم به نقد افکار صاحب نظران در حکمت و اصول فقه و فقیه

می‌پردازد و هم ره‌آورد عارفان را می‌یابد، و احیانا آن را مورد توثیق قرار می‌دهد. امام خمینی (ره) هم مهندس اسلام

۱. احیاء تفکر دینی اسلام

بود و می‌فهمید که اسلام چه می‌گوید و هم معمار اسلام بود و سعی کرد تا دین را از صفحه کتاب بدر آورد و در صحنه جامعه پیاده کند و برای حفظ دین نیز تلاش کرد.

او مثل بسیاری نمی‌گفت که دین صاحب دارد بلکه می‌گفت: صاحب دین، کلید داری دین را به دست عالمان راستین داده تا از آن صیانت و نگهداری کنند. در واقع با سفرهای چهارگانه نه تنها دین را شناخت بلکه آن را یافت و در نهایت متولی دین شد که تولی دین و عهده‌داری حفظ و نگهداری آن نتیجه پیمودن شهودی اسفار چهارگانه است.

ابتکار امام خمینی

ابتکار امام خمینی (ره) در فقه اکبر (فلسفه و عرفان) این است که ایشان نه تنها گوهر ذات را متحول کرد و در مقاطع چهارگانه طی طریق نمود بلکه جهانی شد که در همه جا حضور و ظهور پیدا کرد از این رو گاهی غرب متجاوز را به استیضاح می‌کشاند و زمانی شرق ملحد را به توحید ناب فرا می‌خواند. راه یافتن امام به این مقام منبع و بلند نتیجه بینش عمیقی است که شریعت را در خدمت طریقت و هر دو را در خدمت حقیقت قرار داده و بین آنها جدایی نیانداخته است یعنی هم اصل شریعت بود و هم اصل طریقت.

امام خمینی (ره) خود در این رابطه می‌فرماید: «آنها که فکر می‌کردند یا فکر می‌کنند که بدون شریعت می‌توانند به مقصد برسند، هیچ شاهد و دلیلی ندارند، زیرا ذات اقدس الله که راهنماست، تنها راه را عمل به شریعت می‌داند و آنها که می‌پندارند با عمل به شریعت نمی‌توان به طریقت رسید، آنها که با سیر و سلوک و شریعت و طریقت هماهنگ شدند ولی به حقیقت بار نیفتادند برای آن است که به درستی طی طریق این نکردند»^۱.

۱. فص ایوبی، ص ۳۰۱

جمع عرفان و سیاست امام خمینی(ره)

امام راحل شاخصه‌ای دارد که نه اهل شریعت آن را دارند و نه اهل طریقت و نه اهل حقیقت، زیرا اهل شریعت می‌گفتند: شریعت منهای سیاست است، و اهل طریقت می‌گفتند؛ طریقت منهای سیاست است، و اهل حقیقت نیز باورشان را این بود که حقیقت منهای سیاست است. ولی امام هم شریعت و هم دیانت را عین سیاست می‌دانست و هم می‌گفت: طریقت ما عین سیاست است و هم حقیقت ما عین سیاست است. از این رو وقتی رهبری جامعه را به عهده می‌گیرد، شریعت را با سیاست هماهنگ می‌کند، و وقتی دستور تهذیب نفس می‌داد طریقت را با سیاست هماهنگ می‌کرد و وقتی خواص یا اخص به حضورشان می‌رسیدند و فکر می‌شد آن‌ها اهل حقیقت‌اند، حقیقت را با سیاست هماهنگ می‌کرد. مجموعه سخنانی که امام در مناسبت‌های مختلف مطرح کرد و در صحیفه نور گرد آمده است، بیانگر این نگرش امام است.

فرشته خویی امام(ره)

انسان برای کمال آفریده شده و در صورتی به کمال می‌رسد که از قلمرو حیوانی خارج و به مرز فرشته‌ها نزدیک شود. خدای سبحان در قرآن قلمرو حیات حیوانی را بازگو کرد که خصلت و خوی او چرندگی و درندگی است، و منطقه وسیع فرشتگان را نیز شرح داد و فرمود: آنها بندگان مکرم الهی‌اند که هیچ کاری را بدون فرمان او انجام نمی‌دهند و هرگز در گفتار از خدا پیشی نگرفته و بدون اراده او سخن نمی‌گویند.^۱ در بخش دیگری از آیات فرشته‌ها را موجوداتی می‌داند که هرگز از بندگی خدا سرپیچی نمی‌کنند.^۲ شرح حال انسان‌های برجسته نیز در قرآن به همین شکل بیان شده است، خدای سبحان این‌چنین انسان‌هایی را بندگان مکرم الهی و مقرب بارگاه معرفی می‌کند.^۳ و از مؤمنان راستین با

۱. سوره انبیاء، آیه ۲۷

۲. سوره نساء، آیه ۱۷۲

۳. سوره واقعه، آیه ۱۱

وصفی یاد می کند که آنها دائم به یاد خدا هستند؛ ﴿الذین هم علی صلواتهم دائمون﴾^۱؛ یعنی مومنان دائم یاد خدا را در دل دارند.

قرآن با بیان این حقایق در صدد آن است که خوی فرشته شدن را به انسان تعلیم دهد. بر این اساس انسان زمانی کامل می شود که؛ اولاً از حیات حیوانی برهد و ثانیاً به مرز فرشته ها نزدیک شود.

امام خمینی (ره) کسی بود که تلاش و کوشش می کرد تا خود را از لذت ها و شهوات حیوانی نجات داده و به اوصاف فرشته ها متصف شود، و تا آن جا که ممکن است عادلانه زندگی کند و کریمانه به سر برد.

بر این اساس بود که تأکید می کرد باید نظام طاغوتی سرنگون شود و نظام اسلامی تأسیس شود و در مورد نام نظام اسلامی نیز می فرمود: باید جمهوری اسلامی باشد نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد.^۲

بنابراین پیروان امام (ره) نیز باید با پیروی از او؛ اولاً خود را از خوی حیوانی برهانند و ثانیاً خود را به منطقه فرشته ها نزدیک کنند و ثالثاً در نظام درونی همه خواسته های خود را بر عقل عرضه کنند و رابعاً با استفاده از این فعالیت علمی و عملی همه عبادات را اقامه کنند.

امام خمینی (ره) با پیمودن مسیر تکامل علاوه بر رشد علمی و عملی و پرورش شاگردان برجسته و تشکیل حکومت اسلامی، رسالت جهانی خود را از طریق پیام به گورپاچف رئیس جمهوری وقت شوروی و دعوت او به بازنگری فکری و دریافت راه صحیح و حرکت در مسیر معنوی به اتمام رساند و با تدوین وصیت نامه معنوی و الهی راه آینده انقلاب و چگونگی تداوم و حفظ آن را به اطلاع همگان رساند و فرمود: «همان طوری که رمز پیروزی انقلاب اسلامی انگیزه الهی داشتن و اخلاص درونی و متحد بودن است، راز بقای آن نیز همین دو رکن است. زیرا با انگیزه الهی داشتن حق همواره پایدار بوده و باطل چونان کف روی سیل خروشان پایمال می شود و با اتحاد و همبستگی تمام نیروها متوجه هدف واحد شده و هرگونه مانعی را بر طرف می کند. از این رو مردم باید بیدار بوده و با بیداری حفظ این دو

۱. سوره معارج، آیه ۲۳

۲. بنیان مرصوص، ص ۱۰۴ - ۱۰۶

رکن دستاوردهای انقلاب اسلامی را به خوبی حفظ و نگهداری کنند.